



گذشته و هیچ وقت احساس کمبود مالی نداشته‌ام.

سپید: برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی از آن بخش‌هایی است که نام مدیران و اساتید و پزشکان در قضیه فیش‌های نجومی پزشکان بر سر زبان‌ها افتاده نظر تان در این مورد چیست؟

بنده اطلاعی از این موضوع ندارم و به این بحث‌ها هم علاقه‌ای ندارم اما اگر بخواهید از میزان فیش حقوقی من باخبر شوید می‌توانم با صراحت به شما اعلام کنم که بنده ماهی ۸ میلیون تومان دریافت می‌کنم. ■

زنان بالا است، خیلی‌ها بر این عقیده هستند که چون پزشکان زنان تعرفه‌ها را ناکافی و ناعادلانه می‌دانند به همین دلیل ابایی از دریافت مبالغی بالاتر از تعرفه مصوب ندارند، نظر شما راجع به این موضوع چیست؟ این مطلب شاید نه فقط برای رشته ما بلکه برای باقی ارکان جامعه اتفاق بیفتد اما از لحاظ من دوستانم در این رشته چنین اعمالی را انجام نمی‌دهند که اگر انجام بدهند دیگر از دایره دوستانم خارج می‌شوند، بنده به شما عرض کردم که در طول تمام دوره خدمتم هرگز ریالی بیشتر از نرخ مصوب نگرفتم و البته اموراتم هم به بهترین وجه

تقریباً امکان ندارد وزارتخانه باید در هر منطقه آمایشی ده‌گانه خود یک یا دو بیمارستان را به‌عنوان بیمارستان آموزشی قرار داده و بقیه بیمارستان‌ها را به‌عنوان بیمارستان درمانی تعریف کند، اینکه یک دستیار که باید در طول دوره خود به‌عنوان مثال صد عدد سزارین انجام بدهد، اما در شرایط فعلی گاهی روزانه تا ۶۰ عمل سزارین را انجام می‌دهد، کلاً کیفیت آموزشی نزول می‌کند و دستیار فرصت کافی برای تحصیل نخواهد داشت. ما باید درمان را از آموزش جدا کنیم تا کیفیت نیروی انسانی ما بالا برود. **سپید:** همیشه شایعه درباره زیرمیزی گرفتن پزشکان رشته

نیم‌نگاه

هنوز به زادگاهم پایبند هستم

سپید: چرا به ایران بازگشتید مطمئناً در آلمان فضای بازتری برای رشد و پیشرفت شما فراهم بود.

زمانی که در آلمان بودم از من تقاضای رسمی کردند که بمانم و آنجا مشغول به کار شوم، با وجود اینکه بقیه اعضای خانواده موافق بودند که بنده در آلمان بمانم، اما من احساس کردم باید برگردم و نه تنها در شیراز مشغول به خدمت شدم بلکه به‌صورت مرتب به دانشگاه علوم پزشکی شهر خودم یعنی جهرم هم رفت‌وآمد می‌کنم.

سپید: در جهرم کارهای خیریه‌ای هم انجام می‌دادید؟
بله، کارهایی خیریه که زیاد بوده اما علاقه‌ای ندارم که در مورد آنها بنویسید یا توضیحی بدهم.

سپید: اگر به گذشته برگردید دوباره پزشکی را انتخاب می‌کنید؟
حتماً.

سپید: رشته زنان و زایمان را هم انتخاب کردید؟

خیر، ماجرای ورود من به رشته زنان ماجرای جالبی است، بنده از اول همیشه به رشته گوش و حلق و بینی علاقه‌مند بودم، آن دوره بنده استخدام رسمی بهداری جهرم بودم، چون نسبت به تشریفات اداری آگاهی نداشتم بدون هماهنگی با بهداری جهرم وارد دانشگاه شیراز شدم و در بخش گوش حلق و بینی دستیار شدم طوری که دیگر کار در بهداری را رها کرده بودم. چند وقتی که گذشت ما را از بهداری خواستند که آقای دکتر شما چرا سر پست خود حاضر نمی‌شوید، بنده هم وقایع را برایشان شرح دادم، به من گفتند که آیا شما نباید از ما اجازه می‌گرفتید؟ خلاصه بین ما و بهداری صحبتی ردوبدل شد و آنها گفتند که اجازه تحصیل نمی‌دهند. به بنده گفتند گوش و حلق و بینی رشته لوکس و غیرضروری است درحالی‌که نیاز به پزشک زنان در آن دوره به‌شدت احساس می‌شد، از این رو به من پیشنهاد دادند در صورتی با دوره تخصص من موافقت می‌کنند که وارد رشته زنان بشوم، من هم قبول کردم که در رشته زنان ادامه تحصیل بدهیم.

سپید: وقتی زندگی‌تان را بازنگری می‌کنید آیا کاری بوده که از انجام آن پشیمان شده باشید؟
سوال سختی است.

سپید: اگر دوست ندارید جواب بدهید اصراری به پاسخ دادن به سوالات سخت وجود ندارد.

بله، زمان‌هایی که خسته می‌شدم حوصله سروکله زدن با مریض‌ها را نداشتم. خوب در شهرستان اینگونه موارد وجود داشت که مریض‌ها بعضی اوقات به درب خانه پزشک هم می‌رفتند اما من به دلیل خستگی گاهی از پذیرششان خودداری می‌کردم، البته این خصلت در ایام جوانی بیشتر مشهود بود. این تنها نکته‌ای بود که من از انجامش پشیمانم، اما در حال حاضر تمام حوصله من صرف بیمارانم می‌شود.

سپید: دستاورد بزرگ زندگی‌تان را چه چیزی می‌دانید؟
راه‌اندازی بخش‌های درمانی در شهرستان‌های شیراز، برای من یکی از مهم‌ترین دستاوردهای زندگی‌ام بوده، خوشحالم که می‌بینم بخش ما اکنون در ۴ رشته فلوشیپ در اختیار دارد. ■



سپید: چند فرزند دارید؟

من ۳ فرزند دارم که در واقع سه‌قلو هستند، یک پسر و دو دختر، پسرم دندان‌پزشک است و دخترانم هم یکی پزشک داخلی است و دختر دیگر هم مهندس هواپیما از دانشگاه ادمونتون کاناداست.

سپید: برای اینکه بچه‌ها پزشک شوند تشویق و تحمیلی از طرف شما بود؟

بله، در واقع بیشتر اجبار بود تا تشویق اما در مراحل ابتدایی تحصیلی این‌گونه نشد و در نهایت فقط ۲ فرزندم وارد دنیای پزشکی شدند، البته دلایل خاص خودشان را داشتند من جمله اینکه به‌رحال ما پزشکان ساعت کمتری در خانه حضور داشتیم و این شیوه زندگی خوشایند آنها نبود.

سپید: برگردیم به یک بحث تخصصی، شما اعتقاد دارید که سونوگرافی زنان باردار و نیز حیطه نابروری یک بحث کاملاً تخصصی و مختص جامعه پزشکی زنان و زایمان است و مخالف سپردن این بخش به متخصصان رادیولوژی هستید؟

بنده نه تنها مخالف سپردن این بخش به رادیولوژیست‌ها هستم بلکه برای این موضوع می‌جنگم، زمانی شما مشکل کلیه یا مثلاً مشکل کیسه صفرا دارید که خارج از تخصص ما پزشکان زنان است و در اینکه سونوگرافی به کمک این بیماران می‌آید اصلاً بحثی نیست اما در حوزه تخصصی رشته زنان هرگز این بحث نباید به سمت متخصصین رادیولوژیست منحرف شود زیرا از صفرتا صد این ماجرا برعهده متخصصان زنان است و به اعتقاد من سونوگرافی به‌طور تخصصی برای این بخش به وجود آمده و حالا در بخش‌های دیگر اگر از این ابزار استفاده می‌شود الزاماً به این معنی نیست که ما نباید در این بخش ورود پیدا کنیم.

سپید: در حال حاضر یک بخش عمده درآمد مراکز سونوگرافی بحث تعیین جنسیت جنین است، قبول دارید که این بخش در واقع نقطه محرک برای درآمدزایی سونوگرافی است؟

بنده اعتقاد دارم این کار کاملاً غیراخلاقی است، زمانی شما برای مصارف کاملاً پزشکی اقدام به تعیین جنسیت جنین می‌کنید که بسیار هم مفید خواهد بود اما استفاده از وسایل و امکانات پزشکی برای تفنن خلاف اخلاق پزشکی است، گویا شبیه فالگیرهایی می‌شویم که نبض مادری را می‌گیرند و برای سرگرمی هم که شده اقدام به تعیین جنسیت نوزاد می‌کنند، شما می‌بینید که این استفاده غیرپزشکی در حد همین مثالی که زدم سطح اخلاق پزشکی را پایین خواهد آورد، اینکه در جامعه‌های بحثی باز شده به‌عنوان فیلم دوران جنینی نوزاد حالا چه به شکل دوبعدی یا سه‌بعدی یا هر شکل و رنگ دیگر آن بحث دیگری است که لزوماً فقط در این موضع به‌خصوص نمی‌توان آن را ریشه‌یابی کرد و باید به دنبال علل گرایش مردم به این مدل کارها بود. ببینید یک دستگاه سونوگرافی معادل ۴۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومان هزینه دارد، بعد ما این ارز را از کشور خارج کنیم و این دستگاه را در خدمت تشخیص جنسیت جنین به کار ببریم، آن هم با هزینه‌های بالای سونوگرافی، خوب واقعا چه خدمت پزشکی به جامعه کرده‌ایم؟ بنده به همه دانشجویانم عرض کرده‌ام که حلاشان نمی‌کنم اگر از این دانش در جهتی شبیه این موضوع استفاده کنند اما اگر بگویند که با همین دستگاه خونریزی پشت جفت را ببینید درحالی‌که مادر در وضعیت بدحال است، آن وقت شما به ارزش عمل انجام‌شده در مقایسه با کارهایی شبیه تعیین جنسیت پی خواهید برد. ■

ای درمانی و آموزشی است



فلوشیپ لاپاراسکوپی و نابروری بودم و هنوز این سمت را در اختیار دارم.

سپید: چند وقت در آلمان اقامت داشتید؟

دوره یک سال و نیم بود اما این دوره به‌صورت یکپارچه نبود و حدود ۲ سال و نیم طول کشید تا این دوره به اتمام برسد. گاهی ۶ ماه می‌ماندم و بعد دوباره برمی‌گشتم ایران چون به‌رحال اینجا هم به حضور بنده نیاز بود و هم اینکه دولت آلمان ویزای کامل را نمی‌داد.

بعد از پایان دوره فلوشیپ و بعد از بازگشت به ایران ۴ رشته فلوشیپ را در همین دانشگاه برقرار کردم که بعد از دانشگاه

سپید: آقای دکتر چند سال است که مشغول به تدریس در دانشگاه هستید؟

از سال ۱۳۶۵ تا هم‌اکنون، حدوداً ۳۰ سال، بنده ۱۳ جایزه بین‌المللی دارم. از جمله؛ جایزه انجمن نازایی آمریکا در سال ۱۹۹۶، ۴ دوره برنده جایزه رویان، برنده جایزه برتر جراحان انجمن رازی، جایزه اول شکوفایی و نوآوری و جایزه انجمن نازایی خاورمیانه و تعدادی جایزه دیگر.

